

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جمعی از کمونیست های انقلابی - افغانستان

۰۸ اگست ۲۰۲۲

در باره ترور یک تروریست : الظواهری

با اعلام کشته شدن "ایمن الظواهری" رهبر القاعده در ساحه وزیر محمد اکبر خان [شیرپور] کابل، توسط پهپاد امریکائی، بسیاری در مورد چگونگی ردیابی محل اقامت و چگونگی رابطه طالبان با القاعده و دیگر گروه های تروریستی و احتمالات تحولات بعد از آن به گمانه زنی پرداخته اند. واکنش مقامات رسمی امریکا و طالبان در این مورد قابل توجه است که هر دو یکدیگر را به نقض توافق دوحه متهم کردند. وزارت خارجه امریکا طالبان را به «خیانت به جامعه بین المللی و نقض شدید موافقت نامه دوحه» متهم کرد. از طرف دیگر ذبیح الله مجاهد سخنگوی طالبان این حمله را محکوم کرده و آن را «نقض آشکار اصول بین المللی و موافقت نامه دوحه» خواند.

شاید به نظر اول هر دو طرف محق باشند، چرا که هم طالبان این توافقنامه کذائی را نقض کرده است و هم امریکا ظاهراً حق ورود به حریم هوائی افغانستان و حمله به نقطه ای از خاک آن را نداشته است. اما آن چه مسلم است هیچ یک از دو طرف حقیقت را به مردم نمی گویند. آنها هیچ گاه حقیقت را به مردم نگفته و نخواهند گفت.

هنگامی که بایدن پس از خروج نیروهای امریکا از افغانستان گفت «ما به منظور خلاص شدن از شر القاعده به افغانستان رفتیم» دروغ می گفت و هنگامی که در ادامه آن اعلام کرد «... و این کار را انجام دادیم» دروغ گفت. هنگامی که در همان ماه آنتونی بلینکن حضور القاعده در افغانستان را رد کرد و آن را «بقایائی» خواند که هیچ خطر جدی ندارند. دروغ می گفت.

هنگامی که ترمپ، پمپئو، خلیل زاد، بایدن و بلینکن می گفتند طالبان دیگر یک گروه معتدل است دروغ بود و زمانی که طالبان ادعا می کردند برای بیرون انداختن متجاوزان امریکائی می جنگند دروغ می گفتند، وقتی که گفتند امریکا را شکست دادیم و افغانستان را آزاد کردیم دروغ می گفتند، هنگامی که می گفتند در افغانستان همه آزاد خواهند بود و زنان حق کار و مصروفیت خواهند داشت دروغ بود. آنگاه که گفتند عفو عمومی خواهند داد دروغ بود. هم امریکا و هم طالبان در حالی که بر سر سرنوشت مردم و مشخصاً زنان معامله می کردند دروغ می گفتند.

آنچه به نام توافقنامه دوحه انتشار یافت علی رغم محتوای به غایت ارتجاعی آن که آشکارا معامله ای به ضد مردم افغانستان بود اما تمام ماجرا نبود و بخش مهم این توافق نامه غیر علنی باقی ماند و بخشی هم که هرگز به روی کاغذ نیامد توافقاتی ضمنی و نانوشته بود. واقعیت توافقنامه دوحه، در خدمت تغییراتی بود که باید در افغانستان صورت می گرفت تا بر اهداف و منافع منطقه ئی و جهانی امپریالیزم امریکا منطبق گردد.

طبق این توافقنامه، امریکا با بیرون بردن نیروهایش از افغانستان نه تنها بار مالی، اقتصادی و نظامی از دوشش برچیده می‌شد بلکه با به قدرت رساندن طالبان می‌توانست آنسوی مرزهای چین و کشورهای آسیای میانه را که هم پیمان روسیه بودند، بی‌ثبات گرداند و یا تهدید به بی‌ثباتی کند. به قدرت رساندن طالبان به معنای پایان تلاش برای ثبات افغانستان و ایجاد پناهگاهی برای تروریست‌های بنیادگرای منطقه بود. ممکن است حضور الظواهری و رهبر القاعده در کابل برای برخی تعجب آور بوده باشد. اما نه برای امریکا و نه برای آنانی که بر ستراتیژی امریکا در منطقه آگاه بودند. امریکا از حضور الظواهری و رهبری شبکه القاعده در افغانستان از همان ابتداء آگاه بود.

همچنین چگونگی ردیابی و ترور الظواهری مورد بحث تحلیل‌گران بوده است و اکثر احتمال افشاء شدن محل اقامت او با چنین دقتی را به طالبان نسبت می‌دهند. برخی بر این نظرند که طالبان در مقابل آزاد کردن بخشی از دارائی‌های افغانستان که بالغ بر ۹ میلیارد دالر می‌شود، این اطلاعات را به امریکا داده‌اند و برخی بر این نظرند که اختلافات درون طالبان و چهارنعل تاختن جناح سراج الدین حقانی برای غصب قدرت باعث شده است که این اطلاعات به امریکا داده شود. زلمی خلیلزاد مذاکره‌کننده اصلی امپریالیزم امریکا با طالبان چنین احتمالی را در مصاحبه اخیرش نیز بیان می‌کند. به هر حال اطلاع یافتن امریکا از محل اقامت الظواهری از طریق طالبان، جناحی از طالبان، پاکستان، داعش و یا ارتباطات مستقیم خود امریکا در شرایط کنونی از اهمیت بالائی برخوردار نیست. آنچه اهمیت دارد این است که امریکا از حضور او و شبکه القاعده اطلاع داشته است، همانگونه که از حضور دهها گروه تروریستی دیگر در افغانستان و حضور رهبرانشان در مناطق بشدت حفاظت‌شده کابل اطلاع دارد و نه حذف این گروه‌ها بلکه حضور آنها در افغانستان بخشی از توافق مخفی و یا نا نوشته در دوحه بوده است.

در حقیقت این ترور را می‌توان حرکتی نمایشی از طرف یک قدرت امپریالیستی ارزیابی کرد که می‌خواهد از یک طرف قدرت پوشالی خود را به نمایش بگذارد و از طرف دیگر با توجه به رسوائی به بارآمده رد گم کند و یا نشان دهد که به اصطلاح حامی تروریزم نیست بلکه با آن «مبارزه» می‌کند.

با ترور الظواهری نه تروریزم و نه حتی شبکه القاعده از میان خواهد رفت و نه کمک طالبان به گروه‌های تروریستی پایان خواهد یافت و مهمتر این که نه امپریالیزم امریکا در اصل چنین هدفی را دنبال می‌کند.

با نگاهی به بزرگترین «جنگ امریکاعلیه تروریزم» که با حمله به افغانستان و برای از بین بردن القاعده آغاز شد، دیدیم که نه تنها القاعده از بین نرفت بلکه گروه هیولائی داعش نیز در نتیجه جنگ‌های امریکا زاده شد. این گروه علی‌رغم انکار طالبان در افغانستان بشدت فعال است. هزاران داعشی به شمول رهبران سطوح مختلف آن از زندان‌های افغانستان آزاد شدند. داعش از زمانی که طالبان در افغانستان صاحب قدرت شده بیش از ۵۰ حمله از جمله علیه اقلیت هزاره و شیعه در کندز، قندهار، بلخ و علیه دانش‌آموزان در غرب کابل انجام داده است و نیز مسؤلیت حمله به میدان هوائی کابل را به عهده گرفته است. همچنین بنا بر برخی گزارشات بیش از ۱۰۰ گروه تروریستی از جمله داعش، القاعده و گروه‌های پاکستانی و ازبیک، تاجیک، ایغور که متحد طالبان و القاعده و یا داعش هستند در افغانستان فعالند.

این واقعیت‌ها نشان می‌دهد که مقامات امریکا نه تنها از وجود این گروه‌های تروریستی آگاه هستند بلکه انتظار دارند که با فعال شدن آنها بتوانند بی‌ثباتی را در آنسوی مرزهای چین توسط تروریست‌های ایغور و همچنین گروه‌های تروریستی متحد داعش و یا طالبان در کشورهای آسیای میانه ایجاد کنند. در شرایطی که تنشج میان اضلاع متحده امریکا و چین و روسیه شدت یافته است این تهدیدات علیه آن دو قدرت جهانی از اهمیت بسیاری برای امریکا برخوردار است.

با توجه به چنین شرایطی برخی نیروهای مخالف طالبان بشدت از ترور الظواهری هیجان زده شده و امیدوارند که برای امریکا و غرب ثابت شده باشد که طالبان با القاعده قطع رابطه نکرده است و این که طالبان به القاعده و تروریستها پناه داده است. «شورای عالی مقاومت» متشکل از برخی از جهادی های سابق که مرکزیت آن در ترکیه است خواستار آن شده که از این فرصت استفاده شود و تحریم های بیشتر بر طالبان وضع شود. سخنگوی «جبهه مقاومت ملی» نیز که متشکل از برخی جهادی های جبهه شمال و یا نظامیان حکومت سابق تحت رهبری احمد مسعود است می گوید که جهان باید فشارهای حداکثری را بر طالبان وارد بیاورد. «جبهه ملی آزادگان» کشته شدن الظواهری و ملا زین الله یکی از رهبران تحریک طالبان پاکستان را تبریک گفته است و آن را اثباتی بر رابطه بین طالبان و گروه های تروریستی دانسته است. این گروه ها که در تلاشند تا جایگاهی در قلب امپریالیست های غربی بیابند و یا به عبارت دیگر خود را به امپریالیسم تحمیل کنند، انتظار تغییر سیاست امریکا در مورد طالبان را دارند.

مسئلاً وظیفه ما و همه نیروهای انقلابی و کمونیست این است که در کنار مبارزه علیه امپریالیسم مبارزه علیه نیروهای بنیادگرای تروریستی را به پیش بریم. اما آن چه قابل تأکید است، امپریالیست ها هیچ جنگ و یا تضادی اصولی با تروریسم و به خصوص تروریست های بنیادگرای اسلامی نداشته و ندارند.

تاریخ بیش از چند دهه گذشته نشان داده امپریالیست ها و به خصوص امپریالیزم امریکا علی رغم تضادهایی که ممکن است با این گروه ها داشته باشد اما خود در تشکیل و یا کمک به تشکیل این گروه های تروریستی بنیاد گرای اسلامی نقش داشته اند. این تاریخ همچنین نشان داده است که موارد بسیاری مانند جنگ در افغانستان علیه اشغال سوسیال امپریالیزم روس و یا در هنگام جنگ سوریه و موارد متعدد دیگری امپریالیزم امریکا و متحدینش با این گروه های تروریستی اتحاد داشته و در یک جبهه متحد کنار هم بوده اند. چنین تجاربی بازهم می تواند تکرار شود. بنابراین امپریالیست ها نه می توانند و نه خواهان از بین بردن تروریزم هستند. بلکه این گروه ها ابزاری در دست شان خواهد بود تا در خدمت به منافع استثماری و استعماری خود به کار برند.

مبارزه با تروریزم تنها با اتکاء به نیروی توده ها امکان پذیر است. تنها اتحاد یک پارچه و مقاومت توده های مردم متشکل از زن و مرد، از کلیه ملیت های افغانستان و تحت رهبری یک نیروی انقلابی کمونیستی که مخالف هر گونه ستم طبقاتی، جنسیتی، ملی و یا مذهبی است، قادر خواهد بود مبارزه مردم علیه تروریست های امپریالیستی و تروریست های بنیادگرا را تا به آخر به پیش برد و توده های افغانستان و منطقه را از شر این زالو صفتان پاک کند.

جمعی از کمونیست های انقلابی - افغانستان

۱۳ اسد ۱۴۰۱ برابر با ۴ اگست ۲۰۲۲